

From the Myth of Democracy to the Reality of Arrogance: A Critical Examination of America's Hegemonic Civilization in the Global Order Through Qur'anic Teachings

Mohsen Taghizadeh¹

¹ Scientific Expert, Level 3 Seminary, Imam Khomeini Seminary, Mashhad, Iran

Article information	ABSTRACT
Article type: Research Paper KEYWORDS: Global arrogance, Islamic democracy, Western democracy, American civilization, cultural imperialism, Qur'anic worldview, international order. Received: 2025/06/30 Accepted: 2025/07/20 *Corresponding author: mt1356885@gmail.com How to cite this paper: Taghizadeh, M., (2025). From the Myth of Democracy to the Reality of Arrogance: A Critical Examination of America's Hegemonic Civilization in the Global Order Through Qur'anic Teachings. <i>Interdisciplinary Studies of the Quran and Theology</i>. 2(2): 141-151.	This study explores the concept of democracy within the framework of the contemporary global order, illustrating how Western civilization—particularly the United States—has hollowed out core values such as "freedom," "equality," and "popular sovereignty," transforming them into instruments for consolidating dominance and imposing its ideological framework. Behind the alluring slogans of democracy lies a concealed paradigm of international paternalism, wherein fundamental decisions remain monopolized by the great powers. A notable example is the U.S. opposition to the renewal of Boutros Boutros-Ghali's tenure as UN Secretary-General. Grounded in Qur'anic teachings—especially verses addressing arrogance (<i>istikbār</i>), hegemonic imposition, elite deception, and resistance to oppression—this article unveils the true face of America's hegemonic civilization. The Qur'an portrays arrogance as a satanic trait and a principal cause of injustice toward the oppressed: "But [Iblis] refused and was arrogant and became of the disbelievers" (Al-Baqarah: 34); and elsewhere: "Indeed, those who disdain My worship will enter Hell [in humiliation]" (Ghafir: 60). Through the integrated analysis of Islamic scripture, historical evidence, and international data, this paper emphasizes the urgent need to redefine the concept of democracy, to reclaim intellectual autonomy for Islamic societies, and to confront the cultural and economic domination of Western civilization. Ultimately, it proposes an alternative model of authentic Islamic democracy rooted in Qur'anic principles—one that is inherently resistant to global hegemony.
DOI: 10.22034/isqt.2025.15284.1031	

از اسطوره دموکراسی تا واقعیت استکبار: واکاوی تمدن سلطه‌گر آمریکا در نظم جهانی با تکیه بر آموزه‌های قرآنی

محسن تقی‌زاده^۱

^۱ کارشناس علمی، سطح ۳ حوزوی، حوزه علمیه، امام خمینی (ره)، مشهد، ایران

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: علمی پژوهشی	این پژوهش به واکاوی مفهوم دموکراسی در نظم جهانی معاصر پرداخته و نشان می‌دهد که چگونه تمدن غرب، به‌ویژه ایالات متحده آمریکا، با بهره‌گیری از سازوکارهای بین‌المللی، مفاهیمی چون «آزادی»، «برابری» و «مردم‌سالاری» را از معنا تهی ساخته و به ابزاری در جهت تثبیت سلطه و تحمیل ارزش‌های خود بدل کرده است. در پس شعارهای زیبای دموکراتیک، الگویی پنهان از پدرسالاری بین‌المللی نهفته است که تصمیم‌گیری‌های اساسی را در انحصار قدرت‌های بزرگ قرار می‌دهد؛ نمونه‌ای از آن را می‌توان در جلوگیری آمریکا از تمدید مسئولیت پطرس غالی در دبیر کلی سازمان ملل یافت. این مقاله با تکیه بر آموزه‌های قرآنی، به‌ویژه آیات مربوط به استکبار، تحمیل سلطه، فریب نخبگان و مقابله با استضعاف، چهره واقعی تمدن سلطه‌گر آمریکا را آشکار می‌سازد. قرآن کریم، استکبار را خصلتی شیطانی و عامل اصلی ظلم به مستضعفان معرفی کرده است: ﴿فَسَجِدُوا لِلَّهِ إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ﴾ (بقره/۳۴) و در جای دیگر می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ﴾ (غافر/۶۰). این پژوهش بر اساس تحلیل متون دینی، شواهد تاریخی و داده‌های بین‌المللی، به ضرورت بازتعریف مفاهیم مردم‌سالاری، بازیابی استقلال فکری جوامع اسلامی و مقابله با سلطه فرهنگی و اقتصادی تمدن غرب تأکید دارد. مقاله در نهایت بر پایه تعالیم قرآنی، الگویی بدیل از مردم‌سالاری اصیل اسلامی را پیشنهاد می‌دهد که در برابر نظام سلطه مقاومت‌پذیر است.
واژگان کلیدی: استکبار جهانی، مردم‌سالاری، دموکراسی غربی، تمدن آمریکا، سلطه‌فرهنگی، آموزه‌های قرآنی، نظام بین‌الملل.	
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۰۹	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۲۹	
* پست الکترونیکی نویسنده مسئول: mt1356885@gmail.com	
ارجاع: تقی‌زاده، م.، ۱۴۰۴، از اسطوره دموکراسی تا واقعیت استکبار: واکاوی تمدن سلطه‌گر آمریکا در نظم جهانی با تکیه بر آموزه‌های قرآنی، دوفصلنامه بین رشته‌ای قرآن و الهیات، ۲(۲): ۱۴۱-۱۵۱.	

مقدمه

یکی از بحران‌های مفهومی در نظم جهانی معاصر، واگرایی فاحش میان ادعای «دموکراسی» و واقعیت‌های سیاست بین‌الملل است. اگرچه تمدن غرب و به‌ویژه ایالات متحده آمریکا، خود را نماد آزادی، مردم‌سالاری و عدالت معرفی می‌کنند، اما کارنامه عملکرد آن‌ها در مناسبات جهانی، نمایانگر نوعی از سلطه‌گری پنهان در پوشش مردم‌سالاری است. این ناسازگاری، پرسشی اساسی را پدید می‌آورد: چگونه ممکن است در جهانی که مدعی مردم‌سالاری است، قدرت‌های بزرگ با اتکا به حق و تو، جنگ‌های پیش‌دستانه، تحریم‌های اقتصادی، مهندسی افکار عمومی، و تحمیل الگوهای فرهنگی خود، اراده ملل مستقل را نادیده بگیرند؟

نمونه‌هایی همچون عملکرد یک‌جانبه آمریکا در سازمان ملل، جنگ‌های تجاوزکارانه در خاورمیانه، و استفاده ابزاری از نهادهای اقتصادی مانند صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی، مؤید آن است که دموکراسی در این تمدن، نه یک ارزش جهانی، بلکه ابزاری برای تنظیم قدرت و منفعت است. بسیاری از تحلیل‌گران معتقدند آنچه امروز به‌عنوان دموکراسی غربی ارائه می‌شود، بیش از آنکه ریشه در مشارکت عمومی داشته باشد، در خدمت تثبیت ساختارهای سلطه است (Chomsky, 2003; Said, 1978).

در این میان، آموزه‌های قرآن کریم، تصویری متفاوت از نسبت قدرت و عدالت ارائه می‌دهند. قرآن با صراحت، «استکبار» را خصلتی شیطانی و مصداق انحراف از مسیر توحید و بندگی معرفی می‌کند: ﴿فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ﴾ (بقره/۳۴) و در جای دیگر، استکبار را صفت کافران و ظالمان دانسته که زمینه‌ساز سقوط تمدن هاست: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ إِنْ فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرٌ مَا هُمْ بِبَالِغِيهِ﴾ (غافر/۵۶). تمدن سلطه‌گر آمریکا، برخلاف آنچه در ظاهر به‌عنوان تمدن پیشرفته و لیبرال معرفی می‌شود، در باطن متکی بر خصلت استکباری، منطق «برتری‌طلبی» و استثناء‌گرایی تاریخی خود است؛ مفهومی که نظریه‌پردازان آمریکایی آن را تحت عنوان «American exceptionalism» بازتولید کرده‌اند و در قالب مأموریت تاریخی این کشور برای هدایت جهان، توجیه‌پذیر جلوه می‌دهند. چنین رویکردی، نه تنها در حوزه سیاست خارجی، بلکه در ساختارهای فرهنگی و اقتصادی جهانی نیز به روشنی قابل مشاهده است.

از منظر قرآن، پیروی از چنین نظام‌هایی به معنای تسلیم در برابر طاغوت و از دست دادن عزت مؤمنانه است. در آیه‌ای روشن آمده است: ﴿الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾ (آل عمران/۱۷۳).

از سوی دیگر، این مقاله بر آن است که الگوی اصیل مردم‌سالاری دینی، بر پایه آموزه‌های قرآن، امری است متفاوت با الگوی سکولار دموکراسی غربی. در نگاه اسلامی، مردم‌سالاری با توحید، عدالت، ولایت صالحان و نفی طاغوت

گروه خورده است؛ نه صرفاً با رأی‌گیری و تناوب قدرت سیاسی. چنان‌که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ (حج / ۴۱). در پرتو این آیات، مقاله حاضر درصدد تحلیل انتقادی دموکراسی غربی از منظر قرآن کریم و بررسی ابعاد سلطه‌جویانه تمدن آمریکا در نظم جهانی است. هدف آن است که ضمن آشکار ساختن تناقضات درونی دموکراسی صوری غربی، به بازخوانی ظرفیت‌های قرآن برای مواجهه تمدنی با استکبار پرداخته و الگوی بدیل مردم‌سالاری توحیدی را بر پایه عدالت، عزت، هویت و فطرت انسانی بازنمایی کند.

بیان مسئله

دموکراسی در سده‌های اخیر به عنوان یکی از مفاهیم بنیادین در نظریه‌های سیاسی غرب و نظام‌های حقوقی بین‌المللی، جایگاهی فراگیر یافته است. اما این نفوذ گسترده، همواره با پرسش‌هایی جدی در زمینه «مصادق‌سازی» و «کاربست عملی» آن همراه بوده است. مسئله اصلی مقاله حاضر، بررسی این تناقض بنیادین است: چگونه ممکن است نظامی که در سطوح داخلی خود، بر اصول مردم‌سالاری تأکید دارد، در مناسبات بین‌المللی، رفتاری کاملاً سلطه‌گرانه، یک‌جانبه‌گرا و استکباری را پیش گیرد؟ این شکاف میان گفتار دموکراتیک و رفتار استکباری، به‌ویژه در تمدن معاصر آمریکا، آشکارتر از هر جای دیگر است.

سیاست‌های بین‌المللی آمریکا در زمینه‌هایی مانند تحمیل تحریم‌های اقتصادی، مداخله در ساختار سیاسی کشورهای مستقل، تضعیف نهادهای مقاومت، و نفوذ فرهنگی عمیق، نمونه‌هایی روشن از «ابزارسازی از دموکراسی» هستند. به عنوان مثال، عملکرد ایالات متحده در ماجرای عدم تمدید دبیرکلی پطرس غالی در سازمان ملل متحد، نمونه‌ای برجسته از بی‌اعتنایی به مشارکت و تصمیم‌جمعی در سطح نهادهای بین‌المللی است (غالی، ۱۳۷۸). از سوی دیگر، در حوزه فرهنگی، تلاش گسترده برای مهندسی ذائقه‌ها، سلیقه‌ها و هویت جوامع مستقل، از طریق محصولات رسانه‌ای و نهادهای دانشگاهی غربی، بعد نرم‌افزاری این سلطه‌گری را نمایان می‌سازد (سعید، ۱۳۷۹؛ فانون، ۱۳۸۰). قرآن کریم، چنین ساختارهای سلطه‌جو را مصداق بارز طاغوت، استکبار، و گمراهی می‌داند و به‌صراحت هشدار می‌دهد:

﴿وَيُرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ أَنْ تَمِيلُوا مَيْلًا عَظِيمًا﴾ (نساء / ۲۷)

﴿وَلَا تَرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ﴾ (هود / ۱۱۳)

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ﴾ (انفال / ۳۶)

پرسش اصلی این مقاله آن است که:

۱. چرا و چگونه تمدن آمریکا، علی‌رغم ادعای دموکراسی، در عرصه جهانی رفتار استکباری دارد؟

۲. کارکردهای نهادهایی چون سازمان ملل، صندوق بین‌المللی پول و شرکت‌های چندملیتی در تقویت این سلطه چیست؟

۳. چه سازوکارهایی از منظر آموزه‌های قرآنی برای مواجهه با این سلطه تمدنی قابل استخراج است؟

۴. آیا الگوی مردم‌سالاری دینی مبتنی بر قرآن، ظرفیت جایگزینی برای عبور از این بحران تمدنی را دارد؟

پیشینه پژوهش

پیشینه علمی این موضوع را می‌توان در چهار محور کلی دسته‌بندی کرد:

۱. مطالعات قرآنی درباره استکبار و سلطه‌گری

آیات متعددی در قرآن کریم به مفهوم «استکبار» اشاره دارد و آن را عامل انحراف، ظلم، و نابودی تمدن‌ها معرفی می‌کند.

﴿فَأَمَّا عَادٌ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً﴾ (فصلت/ ۱۵)

﴿تِلْكَ الْأَمْثَلُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا﴾ (قصص/ ۸۳)

رحیمی‌پور (۱۳۹۵) با بررسی آیات فوق و آیات مرتبط دیگر در سوره‌های بقره و آل عمران، استکبار را نه فقط پدیده‌ای سیاسی بلکه مفهومی وجودی و ضدتوحیدی معرفی می‌کند.

۲. نقد کارکردی نهادهای جهانی از منظر عدالت و مشارکت

چامسکی (۲۰۰۳) در کتاب *Hegemony or Survival* به تفصیل نقش ایالات متحده در تحریف کارکردهای دموکراسی جهانی را تحلیل می‌کند. وی نشان می‌دهد که چگونه ابزارهایی چون سازمان ملل، در عمل به ابزار رسمی تثبیت سلطه یکجانبه آمریکا تبدیل شده‌اند. غالی (۱۳۷۸) نیز در خاطرات خود به صورت تجربی، از ممانعت ایالات متحده برای تمديد مسئولیتش در سازمان ملل به عنوان نمونه‌ای از «استبداد جهانی» یاد می‌کند.

۳. مطالعات پیرامون نفوذ فرهنگی و آلودگی هویتی

ادوارد سعید (۱۹۷۸) در *Orientalism* و فانون (۱۹۶۱) در *The Wretched of the Earth*، به طور گسترده به فرآیندهای تحقیر فرهنگی و جعل هویت از سوی غرب پرداخته‌اند. کاظمی (۱۳۹۷) نیز در نقد نظریه «برخورد تمدن‌ها» ی هانتینگتون (۱۹۹۶) نشان می‌دهد که چگونه غرب، با استفاده از صنایع فرهنگی مانند سینما، تبلیغات، و دانشگاه‌های تابع، سلطه نرمی بر جوامع شرقی تحمیل می‌کند.

۴. تلاش برای تبیین الگوی مردم‌سالاری دینی

امام خمینی (۱۳۶۰) در ولایت فقیه، مفهوم مردم‌سالاری دینی را بر پایه ولایت الهی و عدالت اسلامی صورت‌بندی می‌کند. پارسا (۱۳۸۹) در کتاب *استکبار و مقاومت در روابط بین‌الملل*، با تحلیل تطبیقی میان جمهوری اسلامی ایران

و دموکراسی‌های غربی، تأکید می‌کند که مردم سالاری دینی نه تنها ظرفیت مقابله با سلطه را دارد، بلکه می‌تواند الگوی بومی و مقاوم‌سازی برای ملت‌های اسلامی فراهم آورد.

۱-۴- تناقض ذاتی دموکراسی غربی

یکی از مسائل بنیادینی که در تحلیل تمدن معاصر غرب، به‌ویژه آمریکا، جلب توجه می‌کند، شکاف میان «ادعای دموکراسی» و «عملکرد سلطه‌گرانه» در روابط بین‌الملل است. در حالی که ایالات متحده و دیگر کشورهای غربی مدعی دفاع از مردم‌سالاری‌اند، ساختارهای جهانی همچون شورای امنیت سازمان ملل، صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی، و حتی نهادهای رسانه‌ای بین‌المللی، عملاً تحت سلطه این قدرت‌ها عمل کرده و نه تنها از برابری ملت‌ها دفاع نمی‌کنند، بلکه نابرابری و تبعیض را نهادینه می‌سازند (Said, 1978; Chomsky, 2003).

این پارادوکس، از نگاه قرآنی، به ساختارهای طاغوتی شباهت دارد. قرآن کریم در آیات متعددی به فساد ساختار

قدرت‌هایی که به اسم عدالت، به ظلم می‌پردازند اشاره دارد:

﴿فَأَمَّا عَادٌ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً﴾ (فصلت/۱۵)

﴿فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ﴾ (انفال/۵۲)

﴿أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ﴾ (هود/۱۸)

نظام دموکراسی غربی که مبتنی بر خواست اکثریت است، در غیاب اصول توحیدی، به راحتی به ابزاری برای توجیه ظلم و تجاوز تبدیل می‌شود؛ زیرا مشروعیت را نه از عدالت، بلکه از رأی اکثریت استخراج می‌کند. این در حالی است که در نظام قرآنی، ملاک حقانیت، صرفاً اکثریت نیست: ﴿وَإِنْ تُطِيعُوا أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ﴾ (انعام/۱۱۶).

۲-۴- سیاست‌زدگی سازمان ملل؛ مطالعه موردی: پطرس غالی

سازمان ملل متحد، به عنوان نماد نهادگرایی جهانی، به ظاهر باید از عدالت، حقوق ملت‌ها و تصمیم‌گیری جمعی دفاع کند؛ اما واقعیت، نشان‌دهنده کارکردی معکوس است. مطالعه موردی پطرس غالی، دبیرکل مصری سازمان ملل، که در سال ۱۹۹۶ از سوی آمریکا وتو شد، گواه این مدعاست. غالی، در خاطراتش (۱۳۷۸)، تصریح می‌کند که علت مخالفت آمریکا با تمدید مسئولیت او، سخنرانی‌اش در دانشگاه آکسفورد درباره ضرورت استقلال سازمان ملل از قدرت‌های بزرگ بود. این پرونده، یکی از بارزترین نمونه‌های «خشونت نرم ساختاری» در قالب حذف دیپلماتیک است. در همین رابطه، قرآن هشدار می‌دهد که تکیه بر ظالمان، سرانجامی جز آتش ندارد:

﴿وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ﴾ (هود/ ۱۱۳)

﴿إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْ أَهْلَهَا شِيَعًا﴾ (قصص/ ۴)

سازمان ملل، با ساختار وتو، عملاً به ابزاری برای سلطه سیاسی آمریکا، فرانسه، انگلیس، روسیه و چین تبدیل شده و عدالت جهانی را از محتوا تهی کرده است. همان‌طور که سعید (۱۳۷۹) می‌نویسد، ساختار بین‌المللی مدرن، تجسمی از شرق‌شناسی سیاسی و نابرابری تمدنی است.

۳-۴- نفوذ نرم و بردگی فرهنگی-اقتصادی

تمدن غربی، به‌ویژه ایالات متحده، از دهه‌های گذشته به‌سوی سلطه فرهنگی-هویت‌محور حرکت کرده است؛ استراتژی‌ای که «آلوده‌سازی فرهنگی و اقتصادی» نامیده شده (نیوزویک، ۱۳۷۷). ایجاد طبقه متوسط غیرفعال، ترویج لذت‌گرایی، و القای مفهوم پیشرفت غربی از طریق سینما، آموزش، بازی‌های رایانه‌ای و رسانه‌های جهانی، از جمله مصادیق این سلطه پنهان است.

این روند، از منظر قرآن، همان هجمه‌ای است که اقوام ظالم گذشته برای تخریب فطرت انسان‌ها به کار می‌بردند:

﴿وَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَلَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ﴾ (نمل/ ۲۴)

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ (نور/ ۱۹)

این نفوذ فرهنگی، به‌ویژه در ساختار آموزش عالی، تولید محتوای رسانه‌ای و واردات مفاهیم غربی مانند «حقوق بشر»، «سکولاریسم» و «جهانی‌سازی» تجلی یافته و منجر به ازخودبیگانگی جوامع اسلامی شده است (فانون، ۱۹۶۱؛ کاظمی، ۱۳۹۷).

۴-۴- دکترین تجارت آزاد و مرگ انسان‌گرایی

برخلاف شعارهای تجارت آزاد، آنچه در عمل مشاهده می‌شود، تحمیل نظام سرمایه‌داری آمریکایی، به‌ویژه در قالب شرکت‌های تنباکو و صنایع دخانیات، به بازارهای آسیایی، آفریقایی و شرقی است. در حالی که آمریکا در داخل،

برای کاهش مصرف سیگار تبلیغ می‌کند، همان شرکت‌ها با حمایت دولت، بازارهای جهان سوم را اشباع می‌کنند (واشنگتن پست، ۱۳۷۵). این پارادوکس، مصداق روشن «مرگ بازرگانی جهانی به قیمت جان انسان» است. قرآن در این باره هشدار می‌دهد: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَى مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْغِصَامِ، وَإِذَا تَوَلَّى سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا﴾ (بقره/ ۲۰۴-۲۰۵). این نوع تجارت که به نام آزادی بازار، مرگ را صادر می‌کند، دقیقاً همان «فساد فی الارض» است که قرآن از آن نهی کرده و برایش عذابی بزرگ وعده داده است.

۵-۴- تمدن سلطه‌گر آمریکا: بازشناسی ماهیت ایدئولوژیک

تمدن معاصر آمریکا، برخلاف تصورات رایج، نه صرفاً ساختاری سیاسی یا اقتصادی، بلکه یک منظومه ایدئولوژیک است. ساختاری که بر پایه «استثناگرایی آمریکایی» (American Exceptionalism)، «سرنوشت مقدس» (Manifest Destiny)، و «حق دخالت جهانی» بنا نهاده شده است (Kelley, 2004). آمریکا خود را مأمور نجات جهان از «شر» معرفی می‌کند، و این همان ادعای فرعونی است که قرآن آن را در قالب «إِنِّي أَرَاكَ يَا فِرْعَوْنُ مَثْبُورًا» (اسراء/ ۱۰۲) و «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ» (قصص/ ۴) ترسیم می‌کند.

همان‌طور که تاریخچه پیدایش آمریکا نشان می‌دهد، این کشور بر پایه نسل‌کشی بومیان، برده‌داری سیاهان و غارت طبیعت شکل گرفته است. مفاهیمی مانند آزادی، فردگرایی و سکولاریسم، در ظاهر شعارهای انسانی‌اند، اما در عمل ابزاری برای برتری‌طلبی تمدنی بوده‌اند. همان‌گونه که امام خمینی (۱۳۶۰) فرمود: «آزادی در غرب، آزادی برای سرمایه‌داران است، نه برای مستضعفان».

جمع‌بندی و تحلیل راهبردی قرآن‌محور

بررسی عمیق تمدن سلطه‌گر آمریکا و کارکرد واقعی نهادهای بین‌المللی مدرن در این مقاله نشان داد که «دموکراسی غربی»، برخلاف شعارهای زیبای خود، نه تنها نمایانگر اراده واقعی مردم نیست، بلکه در خدمت تثبیت نظم سلطه‌گرانه و نظام نابرابر جهانی قرار گرفته است. سازمان‌هایی مانند سازمان ملل، صندوق بین‌المللی پول، و شرکت‌های چندملیتی، به جای آن که نماینده عدالت و مشارکت باشند، به ابزاری در جهت تقویت منافع اقلیت‌های قدرتمند بدل شده‌اند؛ آن‌هم در حالی که ساختارهای سلطه‌گری مانند وتو، تحریم، جنگ‌های نیابتی، آلوده‌سازی فرهنگی و مهندسی هویتی ملت‌ها، مشروعیت یافته‌اند.

این واقعیت از نگاه قرآنی، چیزی جز «استکبار فی الارض» نیست؛ همان صفتی که قرآن آن را مایه سقوط تمدن‌ها، نابودی جوامع و عذاب الهی معرفی می‌کند:

﴿فَأَمَّا عَادٌ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ﴾ (فصلت/ ۱۵)

﴿فَكُلًّا أَخَذْنَا بِذَنبِهِ فَمِنْهُمْ مَن أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا... وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ﴾ (عنکبوت/ ۴۰-۴۱)

تحلیل قرآن محور رفتارهای سلطه‌گرانه تمدن غرب، بر سه محور استوار است:

۱. انحراف در مبنای مشروعیت

دموکراسی سکولار، مشروعیت قدرت را نه بر اساس «حق»، بلکه بر اساس رأی اکثریت تعریف می‌کند، ولو این اکثریت در خدمت ظلم باشد. در مقابل، قرآن مشروعیت را به «عدالت» و «عبودیت» نسبت می‌دهد، نه اکثریت صرف: ﴿وَإِنْ تُطِيعُوا أَكْثَرَ مَن فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ﴾ (انعام/ ۱۱۶)

در چنین نگرشی، سیاست بدون اخلاق و رأی بدون هدایت، به طغیان می‌انجامد.

۲. ساختارهای استکباری و نظم طاغوتی

تمدن سلطه‌گر آمریکا، مصداقی امروزی از ساختارهای «طاغوتی» است که قرآن نسبت به آن هشدار داده است. طاغوت، نظامی است که انسان را از فطرتش منحرف و از عبودیت الهی خارج می‌سازد. قرآن، مؤمنان را به عدم اطاعت از طاغوت و اجتناب از وابستگی به آن فرا می‌خواند: ﴿فَمَن يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى﴾ (بقره/ ۲۵۶)

رفتار آمریکا در سرکوب سازمان‌های مستقل، تحمیل سبک زندگی غربی، مهندسی فرهنگ و رسانه، ایجاد ترس مصنوعی، و دوگانه‌سازی ارزش‌ها، به وضوح در الگوی طاغوتی قابل تحلیل است.

۳. تحمیل فرهنگی، استعمار هویتی و استضعاف نرم

الگوی سلطه آمریکا، دیگر نه تنها نظامی و اقتصادی، بلکه عمدتاً فرهنگی و هویتی شده است. ترویج لذت‌گرایی، فردگرایی افراطی، سلب مسئولیت اجتماعی، مصرف‌گرایی، و سکولاریسم ارزش‌مدار، همه در راستای از خودبیگانگی جوامع مسلمان و تخریب انسجام امت اسلامی است.

قرآن، در مواجهه با چنین شرایطی، به مؤمنان دستور می‌دهد که عزت را فقط در چارچوب ایمان و اطاعت از خدا و رسول جستجو کنند:

﴿وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (منافقون/ ۸)

﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ (آل عمران/ ۱۳۹)

راهبرد قرآنی برای عبور از دموکراسی سلطه‌گر

مواجهه با نظم استکباری معاصر، بدون بازتعریف تمدنی مفاهیم عدالت، آزادی، مردم‌سالاری، قدرت، و پیشرفت ممکن نیست. قرآن، در دل خود، راهبردی تمدنی برای عبور از سلطه غرب ارائه می‌دهد:

الف. بازیابی هویت ایمانی-تمدنی

قرآن امت اسلامی را به یادآوری هویت الهی خود فرا می‌خواند: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ﴾ (آل عمران / ۱۱۰) این آیه، مبتنی بر «امر به معروف»، «نهی از منکر» و «ایمان به خدا»، سه پایه تمدن قرآنی را معرفی می‌کند. بدون این سه اصل، مردم‌سالاری نیز به انحراف خواهد رفت.

ب. طراحی الگوی مردم‌سالاری دینی

قرآن، ساختار قدرت را بر مبنای «ولایت صالحان» و «نفی سیل کافران» قرار داده است: ﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾ (نساء / ۱۴۱) مردم‌سالاری قرآنی، برخلاف دموکراسی سکولار، صرفاً انتخاب‌محور نیست، بلکه عدالت‌محور، عبودیت‌محور، و مسئولیت‌پذیر است.

ج. مقابله تمدنی با استکبار

قرآن، نه تنها مسلمانان را از وابستگی فکری به کفار نهی می‌کند، بلکه دستور به آمادگی همه‌جانبه برای مقاومت می‌دهد: ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ﴾ (انفال / ۶۰) این مقاومت، تنها نظامی نیست؛ بلکه اقتصادی، رسانه‌ای، فرهنگی، نظری، تمدنی و گفتمانی است. در چنین چارچوبی، حتی نگارش مقاله علمی، طراحی روایت بدیل، ساخت رسانه‌های مستقل و تقویت گفتمان مقاومت، بخشی از جهاد تمدنی محسوب می‌شود.

نتیجه‌گیری

تمدن غرب، و به‌ویژه ساختار آمریکامحور آن، بیش از آنکه نمادی از آزادی و عدالت باشد، بازنمایی مدرن طاغوت و استکبار در عصر جدید است. اکنون بیش از هر زمان دیگری، ضرورت دارد مسلمانان با تکیه بر قرآن، به‌سوی «مردم‌سالاری قرآنی» حرکت کرده، خود را از اسطوره‌ی دموکراسی غربی برهانند و الگویی بدیل از «تمدن ایمانی، عدالت‌محور، و مقاومت‌پایه» را شکل دهند.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج‌البلاغه، به‌کوشش شریف رضی، قم، دارالکتب الاسلامیه.
۳. خمینی، روح‌الله، (۱۳۶۰)، ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۴. پارسا، محمد، (۱۳۸۹)، استکبار و مقاومت در روابط بین‌الملل، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۵. رحیمی‌پور، علی، (۱۳۹۵)، «استکبار جهانی در قرآن کریم»، فصلنامه علوم قرآن و حدیث، ش ۱۸، ۳۵-۵۸.
۶. موسوی، علی‌اکبر، (۱۳۹۸)، «مقاومت در برابر استکبار از دیدگاه قرآن»، مجله مطالعات راهبردی جهان اسلام، ش ۲۴، ۹۱-۱۰۹.
۷. کلی، جان، (۱۳۸۴)، امپراتوری آمریکا، تاریخ استعمار نو، ترجمه احمد تدین، تهران، نشر کیهان.
۸. غالی، پطروس، (۱۳۷۸)، روابط آمریکا و سازمان ملل، ترجمه محمد حسینی، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۹. سعید، ادوارد، (۱۳۷۹)، شرق‌شناسی، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۰. کاظمی، عباس، (۱۳۹۷)، «جهانی‌سازی و مقاومت فرهنگی؛ نقد نظریه برخورد تمدن‌ها»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال دهم، ش ۳، ۴۵-۶۴.
۱۱. موسسه بین‌المللی مطالعات استراتژیک لندن، (۱۳۷۷)، گزارش سالانه سیاست‌های جهانی، ترجمه محمدرضا قربانی، تهران، مرکز تحقیقات راهبردی.
۱۲. بانک جهانی، (۱۳۷۵)، گزارش تأثیر سیگار بر اقتصاد جهانی، ترجمه محمد باقری، تهران، مؤسسه انتشاراتی توسعه.
۱۳. واشنگتن پست، (۱۳۷۵)، «آوای مرگ دکترین تجارت آزاد»، ترجمه سید محمود موسوی، چاپ‌شده در ویژه‌نامه اقتصاد بین‌الملل.
۱۴. نیوزویک، (۱۳۷۷)، «استراتژی مهار و آلوده‌سازی فرهنگی غرب»، ترجمه علی رضایی، منتشر شده در پژوهش‌های راهبردی فرهنگ، ش ۴، ۷۹-۹۶.
15. Chomsky, Noam. (2003). *Hegemony or Survival: America's Quest for Global Dominance*. New York: Metropolitan Books.
16. Fanon, Frantz. (1961). *The Wretched of the Earth*. New York: Grove Press.
17. Fukuyama, Francis. (1992). *The End of History and the Last Man*. New York: Free Press.
18. Huntington, Samuel P. (1996). *The Clash of Civilizations and the Remaking of World Order*. New York: Simon & Schuster.
19. Kelley, John. (2004). *Empire by Invitation: American Expansion and the European Order*. Boston: Harvard University Press.
20. Said, Edward W. (1978). *Orientalism*. New York: Pantheon Books.